



مقاله

# فناوری اطلاعات و فرهنگ

○ علیرضا پورممتاز

اجزای جامعه است که در بستری فرهنگی صورت می‌پذیرد. این بستر فرهنگی می‌تواند گونه‌های مختلفی از ارتباطات و مبادلات را میسر سازد و پیامی که در این ارتباط دریافت می‌گردد، مبتنی بر ساز و کارهایی فرهنگی است که در حقیقت میزان و محتوای اطلاعات مبادله شده را تعیین می‌کنند. به عبارت ساده‌تر هر نوع ارتباط و مبادله اطلاعات بین دو نفر تابع عواملی فرهنگی است که باعث می‌شود درک و دریافتی خاص از آن اطلاعات مبادله شده در ذهن گیرنده به وجود آید و این فرهنگ است که زبان مشترک برای درک متقابل در انواع مبادلات اطلاعات را تعیین می‌کند و اساسا امکانات برقراری ارتباط و گفتگو را فراهم می‌آورد.

برای فناوری نیز تعاریف مختلفی داده‌اند. اما سه مورد از متداول‌ترین تعاریف آنها عبارتند از:

۱. کاربرد ابزارها و شیوه‌ها در فرایندهای تولیدی
  ۲. شیوه کاربرد دانش فنی
  ۳. جمع دانش جامعه یا دانش فرهنگی، به خصوص در پیوند با فرهنگ مادی جامعه.
- در حوزه فناوری اطلاعات، تعریف سوم فناوری اطلاعات بیش از

بحث فرهنگ و فناوری اطلاعات همانند تمامی بحث‌هایی که به حوزه فرهنگ مربوط می‌شوند، آنچنان حوزه وسیعی از موضوعات و مطالب را در بر می‌گیرند که شروع بحث در پیرامون آنها سهل و ممتنع به نظر می‌رسد.

به خصوص در همین مورد خاص که موضوع بحث این شماره از مجله کتاب ماه کلیات است، با دو جنبه‌ای از کار روبرو هستیم که در نگرش بعضی جدای از یکدیگرند و در نگرش بعضی چنان با یکدیگر آمیخته‌اند که تمییز مرزهای آنها از یکدیگر چندان میسر نیست.

یوری میخائیلویچ لوتمان «فرهنگ را تمامی فعالیت‌های انسان برای تولید، مبادله و حفظ اطلاعات به وسیله نظام‌هایی سازمان‌یافته به صورت ذاتی و مرتبط با یکدیگر می‌داند که مبتنی بر نمادها و نشانه‌ها هستند.»

این نظام‌ها در محدوده درک و دریافت بشر، حقیقت و طبیعت را به فرهنگ تبدیل می‌کنند. در تعبیری دیگر فرهنگ را می‌توان مجموعه روابط نهادینه شده میان اعضا و نهادهای جامعه دانست که میراث فرهنگی هر جامعه نقشی بزرگ در شکل‌گیری آنها دارد. مبنا و موضوع این ارتباطها و پیوندهای اجتماعی نیز مبادله اطلاعاتی بین

همه مصداق می‌یابد و مهم این است که حتی در مادی‌ترین نگاه به ابزارها و شیوه‌ها، در دو سوی مسیر ارتباطی و مبادله‌کننده اطلاعات عواملی انسانی می‌نشینند که بر اساس زمینه‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی خود به تفسیر و تعبیر اطلاعات می‌پردازند.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که برای برنامه‌ریزی در حوزه فناوری اطلاعات نقطه آغاز کجا می‌تواند باشد و چه اهدافی می‌توانند برای تحقق توسعه در این راستا تعریف شوند.

فناوری اطلاعات می‌تواند تمام شیوه‌ها و مسیرهای انتقال، مبادله، نمایش، ذخیره‌سازی و مدیریت اطلاعات را متحول و دگرگون سازد یا بهینه کند. نوع اطلاعاتی که در جامعه جریان می‌یابد، مسیرها و سطوح دسترسی به اطلاعات، نوع و چگونگی نمایش و ارائه اطلاعات و مدیریت آنها همگی تحت تاثیر عوامل فرهنگی انتخاب و تعریف می‌شوند. تغییرات این عوامل، تغییر در فرهنگ جامعه را به دنبال دارد و چرخه‌ای از تغییرات فزاینده شکل می‌گیرد که در هر دو تحول‌آفرین است. هر نوع برنامه‌ریزی در حوزه فناوری اطلاعات، چنانچه مبتنی بر جایگاه‌ها و راهکارهای مطلوب فرهنگی تعریف شود، منشاء تحولاتی مثبت خواهد بود که در بستر فرهنگی جذب‌کننده آن رشد متناسب و مطلوب‌تری نیز خواهد داشت. اما اگر در برنامه‌ریزی برای توسعه فناوری اطلاعات فقط پیشرفت‌های فناوری یا هر نوع نگرش دیگری مدنظر قرار داده شود، نمی‌توان انتظار داشت که نتایج کار در حلقه فزاینده تاثیرات متقابل همواره مثبت باشد.

در تمام حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی، ارتباط تعریف شده و شفاف بین دست‌اندرکاران می‌تواند حرکت‌آفرین و زاینده باشد. به همان نسبت نیز هر نوع برقراری ارتباط باید به ترتیبی تعریف و شفاف‌سازی شود تا از محدوده قراردادهایی که در فرهنگ پذیرفته شده‌اند عبور نکند.

این عبور از مرزها، حریم‌های اجتماعی، اقتصادی، علمی و حقوقی را در هم می‌شکند و مشکل‌آفرین خواهد بود. حریم‌هایی که در اینجا از آنها صحبت به میان می‌آید، مرزهای زندگی یا فعالیت خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه است که حفظ آنها و تعاریف آنها جزو شاخص‌های اصلی هر فرهنگی به حساب می‌آیند.

به هر میزان حریمی گسترده‌تر و نهادی بزرگتر از جامعه در این بحث بیاید حساسیت آن بیشتر خواهد بود.

با این مقدمات می‌توان به این نتیجه رسید که تصمیم‌گیری در حوزه فناوری اطلاعات و به کارگیری سخت‌افزار و نرم‌افزارهای آن

نیازمند نوعی شناسایی بسترهای فرهنگی، تعریف پاره‌ای روابط و فرایندهای جدید و سپس گنجاندن ابزارهای جدید در مجموعه‌ای است که نیاز به تحول را از درون احساس کرده و آن را شناخته است. این شناخت و در نتیجه افزایش بهره‌وری‌ها فقط در صورتی به دست می‌آید که نیازی واقعی تشخیص داده شده باشد و پاسخی متناسب برای آن نیاز ارائه گردد. در غیر این صورت با نوعی مقاومت فرهنگی و انسانی - اجتماعی روبرو می‌شویم که نتیجه نهایی را منفی خواهد ساخت.

اما این نتیجه‌گیری منفی به ماهیت هر دو مقوله اطلاعات و فرهنگ باز می‌گردد.

مشخصه تکامل اجتماعی و فناوری زمان‌سپاری و عمر کوتاه پدیده‌ها و افزایشی شتابان در کارایی تمام چیزها و فرایندهای مربوط به انرژی و اطلاعات است. همین موضوع نیز منجر به حذف عملی محدودیت‌های فضا، زمان، ماده و انرژی می‌شود و در نتیجه به صورتی قابل ملاحظه، توان فیزیکی ما برای حل مسائل را افزایش می‌دهد. با این حال، تسهیل و روانکاری ایجاد شده در تمام فرایندها باعث بروز مشکلاتی غیرفیزیکی می‌شود که مشخصه و نشانه آنها ناپایداری، پیچیدگی و ایجاد شبکه‌های علی می‌شود؛ این عوامل باعث کاهش هدایت‌پذیری (کنترل‌پذیری) و پیش‌بینی‌پذیری می‌شود. علاوه بر این، افراد و ادار می‌شوند بیش از حدی که می‌توانند به صورت کارا و موثر پردازش داشته باشند، یا اطلاعات و فرصت‌ها روبرو شوند. این افزونگی اطلاعات در اثر افزایش پرسرعت اطلاعات نامرغوب (با کیفیت پایین) که به علت سهولت نشر آنها رخ می‌نمایند، تاثیرگذاری منفی‌تری خواهد داشت. سرجمع این عوامل باعث اضطراب، تنش، غربت (الیناسیون) و همچنین بروز خطاهایی در قضاوت‌ها است که به صورتی بالقوه خطرناک به حساب می‌آیند.

علاوه بر این، جمع این عوامل زیایابی اقتصادی کلی را کاهش می‌دهد. مطالبی که در این بحث آوردم، قاعدتا باید با یک نتیجه‌گیری خاتمه یابد. اما عملاً می‌بینیم که در هر قسمت آن، از آغاز تا انتها مرتب در حال نتیجه‌گیری بوده‌ایم. بحث در این زمینه بسیار گسترده است و در این فرصت کوتاه نمی‌توان انتظار داشت که موضوع کاملاً ساخته و پرداخته شود. از اینرو آنچه در این مقاله هدف بوده است، ارائه فهرستی از سرفصل‌هایی بوده است که علی‌القاعده در هر بحث پیرامون دو موضوع فناوری اطلاعات و فرهنگ باید در نظر گرفته شود.